

انقلاب جاری در ایران نه یک انقلاب زنانه بلکه انقلابیست اجتماعی!

متن سخنرانی رفیق خورشید در مراسم یادمان ۸ مارس، روز جهانی زنان کارگر و زحمتکش در کلاب هاوس،

مورخ ۱۲ مارس ۲۰۲۳

مردم ایران سال‌هاست که علیه ظلم و فساد و دیکتاتوری حاکم مبارزه می‌کنند. از بدو به قدرت رسیدن خمینی تبهکار که پس از کنفرانس گوادلوپ و توسط سران کشورهای امپریالیستی به روی کار آورده شد، تا به امروز که ۴۴ سال از آن زمان می‌گذرد روزی نبوده که خلق‌های ایران به شرایط و وضع حاکم اعتراض نکرده باشند و علیه این وضع دست به مبارزه زده باشند. در این میان زنان همواره دوشادوش مردان در این مبارزات شرکت کرده‌اند و در همان حال برای تحقق خواست‌های بر حق خود هرگز لحظه‌ای آرام ننشسته‌اند.

دفتر خمینی درست دو هفته پس از به قدرت رسیدن، اعلام نمود که زنان موظف به داشتن حجاب اسلامی هستند. همچنین یک روز پیش از روز جهانی زن یعنی در ۱۶ اسفند سال ۵۷، خمینی در مدرسه رفاه سخنرانی کرد و همان‌جا اعلام نمود که: زنان کارمند برای حفظ آبروی خودشان باید حجاب را رعایت کنند. درست بعد از این صحبت، زنان کارمند بدون حجاب، اجازه ورود به محل کارشان را نیافتند. در اعتراض به این امر تعداد زیادی از زنان کارمند از رفتن به کار سر باز زدند. حدود ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ زن در دانشگاه تهران تجمع کرده و شعار دادند "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم!". همچنین تعداد زیادی از دانش‌آموزان مدرسه‌های دخترانه به تظاهرات زنان در تهران پیوستند. فردای آن روز یعنی در روز هشت مارس همان سال ۵۷، بزرگداشت روز جهانی زن به راهپیمایی زنان برای اعتراض به نادیده گرفتن حقوق زنان و از جمله حجاب اجباری منجر شد. هزاران زن معترض و مبارز، این اعتراضات را به مدت ۶ روز ادامه دادند که در نهایت به لغو موقت فرمان حجاب اجباری انجامید. اما دیری نگذشت که دوباره این فرمان با "اسلامی‌سازی ادارات" احیا شد و اجازه ورود زنان بی حجاب به محل کارشان داده نشد. از طرف دیگر پاسداران و حامیان نظام جمهوری اسلامی در خیابان‌ها به راه افتادند و زنان بی حجاب را با چسباندن پونز به پیشانی آنها و تیغ کشیدن بر لب‌هایشان و با آزار و اذیت‌های دیگر مورد حمله قرار دادند. البته دست اندرکاران جمهوری اسلامی، رژیم‌هایی که ماحصل توافق امپریالیست‌ها در گوادلوپ است، به این اعمال وحشیانه هم بسنده نکردند و مجازات‌هایی از جمله تنبیه بدنی و شلاق و امثال آن را برای عدم رعایت حجاب برای زنان در قانون در نظر گرفتند که در آن زمان توسط کمیته انقلاب اسلامی و بعدها گشت ارشاد اجرا شد که می‌دانیم تا به همین امروز هم ادامه دارد.

قابل انکار نیست که سرکوب زنان در رژیم جمهوری اسلامی شدت هر چه بیشتری به خود گرفته است. اما همه می‌دانیم که نابرابری و تبعیض علیه زنان در رژیم شاه نیز وجود داشت و می‌دانیم که در آن زمان نیز زنان دوشادوش مردان برای از بین بردن ظلم و فساد و دیکتاتوری و از بین رفتن هرگونه ستم بر زن مبارزه می‌کردند. با اذعان به این واقعیت که رژیم فعلی زنجیر اسارت بر دست و پای زنان را محکم‌تر کرده است اما بسیار خطاست که مبارزات زنان در رژیم جمهوری اسلامی صرفاً به مبارزه برای لغو حجاب اجباری تقلیل پیدا کند و به دنبال آن جنبش انقلابی کنونی که مردان و زنان دوش به دوش هم برای دگرگون کردن شرایط زندگی بسیار ناگوارشان برپا کرده‌اند، انقلاب زنانه خوانده شود.

امروز سیستم سرمایه‌داری که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و حامیان سرکوبگرش مدافع آن هستند، شرایط بسیار وحشتناکی را برای اکثریت افراد جامعه به وجود آورده است. کارگران و زحمتکشان، تحت ستم و استثمار وحشیانه قرار دارند. حتی اقشاری از مردم که به قول معروف دست‌شان به دهان‌شان می‌رسد با انواع ستم‌ها و سرکوب‌ها مواجه هستند. همه این مردم به خاطر ظلم و ستم‌هایی که به آنها می‌شود، به خاطر سرکوب و حاکمیت دیکتاتوری در جامعه به‌پاخاسته و دست به انقلاب زده‌اند. بنابراین انقلاب

آنها زنانه نیست بلکه یک انقلاب اجتماعیست. چون زنان و مردان جامعه برای از بین بردن سیستم سرمایه‌داری در ایران و دگرگون کردن کل بنیادهایی که باعث به وجود آمدن شرایط زندگی غیر قابل تحمل برای آنها شده به پا خاسته‌اند.

درست است که در این شرایط زنان و به خصوص زنان کارگر و زحمتکش با ستم مضاعف هم روبه‌رو هستند ولی همان‌طور که شاهدیم زنان شجاع ایران دوشادوش مردان مبارز، علیه جمهوری اسلامی می‌جنگند تا کل شرایط ظالمانه کنونی را از بین ببرند. آنها حتی به صورت ناخودآگاه هم باشد، می‌دانند که رهایی زنان از ستم مضاعف، به سرنگونی این رژیم و دگرگون کردن بنیاد شرایط کنونی وابسته است که آن هم با نابودی سیستم سرمایه‌داری حاکم به دست می‌آید.

همان‌طور که می‌دانیم در سال‌های گذشته و به ویژه در سال ۹۸، توده‌های جان به لب رسیده از ظلم و ستم و نابرابری با شعار نان، کار، آزادی به خیابان‌ها آمدند. و همان‌طور که باز می‌دانیم خیزش آبان ۹۸ به نام خیزش گرسنگان نام گرفت. این شعار که شکل تکمیل شده آن: نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال است، اصلی‌ترین، بدیهی‌ترین و عمیق‌ترین مطالبات توده‌های تحت ستم یعنی کارگران و زحمتکشان را در بر می‌گیرد. در حالی که شعارهایی که حول محور فقط زنان می‌گردند تنها خواسته‌ها و مطالبات نیمی از افراد جامعه را در بر می‌گیرد.

واضح است که توجه به تنها نیمی از افراد جامعه و نادیده گرفتن بقیه افرادی که در آن جامعه با فقر و ستم و تبعیض و نامالیمات توسط سرمایه‌داران و رژیم مدافع‌شان روبه‌رو هستند، انحراف مسیر انقلاب و به هرز بردن انرژی مبارزاتی مردم شجاع ایران است که برای مبارزه با رژیم تبهکار جمهوری اسلامی جان خود را در دست گرفته‌اند و با دست خالی در برابر جوخه‌های مسلح رژیم ایستاده‌اند.

به دنبال زنانه خواندن انقلاب ایران، شاهد رواج شعار (زن، زندگی، آزادی) هم بودیم که به ظاهر برای حمایت از زنان است. اما این شعار در باطن یک شعار انحرافی و توخالی است. به طور برجسته هرکس هر تفسیری از این شعار داشته باشد، نمی‌تواند انکار کند که این شعار، نیمی از جامعه یعنی مردان را در بر نمی‌گیرد و تمامی مردم یک جامعه را شامل نمی‌شود. در حالی که زندگی و آزادی حق مسلم تمامی اقشار و طبقات درون هر جامعه‌ای است.

در جامعه‌ای که ما در آن به سر می‌بریم، هم زن زندگی می‌کند و هم مرد؛ در نتیجه مردان هم حق و حقوقی دارند که تحت حاکمیت این نظام ارتجاعی نادیده گرفته می‌شود. از طرف دیگر آیا واژه "زن" و آزادی به تنهایی قادر به نشان دادن مشکلات و خواسته‌های جامعه است؟ یا این که حتی اگر تنها زنان را در نظر بگیریم باز هم این سوال پیش روی ماست که با این شعار و با یک انقلاب صرفاً زنانه کدام خواسته‌ها و مطالبات زنان برطرف می‌شود؟ این سوال را از این جهت مطرح می‌کنم که اگر به سخنان مدافعان این شعار نگاهی بیندازیم و تبلیغات رسانه‌های جریان اصلی و حتی غربی را رصد کنیم، می‌بینیم که تنها مشکل زنان ما را مساله "حجاب" عنوان می‌کنند و به جز حجاب از دیگر مشکلات زن‌ستیزانه‌ای که تحت سلطه رژیم جمهوری اسلامی وجود دارند، سخنی در میان نیست و کمترین اشاره‌ای هم به دیگر ستم‌ها و مشکلات زنان ما نمی‌کنند. اما درست است که حجاب نماد اسارت زن است و باید از میان برداشته شود، ولی با یک نگاه اجمالی به شرایط کار و زندگی اکثریت زنان جامعه می‌توان دریافت که در حال حاضر حجاب دغدغه اصلی زنان کارگر و زحمتکش که اکثریت زنان تحت ستم جامعه را تشکیل می‌دهند، نیست و اگر پای صحبت آنان بنشینیم، خواهیم دید که آنها در اساس از ضایع شدن حق و حقوق کاری، درآمد پایین و تورم و در واقع دخل و خرج زندگی‌ست که در رنج و عذاب هستند و شکوه می‌کنند. در این‌جا هم می‌بینیم که شعار زن زندگی آزادی و صرفاً زنانه جلوه دادن انقلاب جاری تلاشی برای سرپوش گذاشتن به مشکلات و خواسته‌هایی‌ست که موجب خیزش زنان و مردان تحت ستم ایران علیه استعمارگران و رژیم جمهوری اسلامی شده است.

حال این نکته قابل توجه است که خیزش‌های قبلی در ایران که با سرکوبی بسیار شدیدتر هم روبه‌رو شد، برای

قدرت‌های غربی که برای انقلاب مردم گرسنه و تحت ستم ما تره هم خورد نمی‌کنند، بی اهمیت بود و در رسانه‌های‌شان هم به آن پرداخته نمی‌شد. به طور مثال آنها حتی سرکوب بی‌رحمانه و وحشیانه‌ی رژیم در آبان ۹۸ که تازه طبق آمار خودشان بیش از ۱۵۰۰ تن به شهادت رسیدند را پوشش ندادند. اما در جنبش انقلابی جاری و با مشاهده‌ی شدت و وسعت اعتراضات، پروژه‌ی آلترناتیوی خود که سال‌هاست با برنامه‌هایی چون "آزادی‌های یواشکی" و "چهارشنبه‌های سفید" آن را در آب نمک خوابانده‌اند را رو کرده و برای به انحراف کشیدن انقلاب توده‌ها به ظاهر با نمایش‌های مضحک بریدن موی سر پارلمان‌تاریست‌ها و اشک تمساح ریختن برای زنان ایرانی و مبارز، به میدان آوردند تا خواست واقعی و مطالبات اصلی تمام اقشار و طبقات درون جامعه را که همواره و در جنبش‌های قبلی به خاطر آن به میدان آمده بودند را از ریل اصلی خود خارج کنند. پروژه‌ای که توسط یکی از مهره‌های صادراتی رژیم به نام مسیح علینژاد اجرا شد و ما امروز هم در به انحراف بردن مسیر مبارزات مردم کشورمان شاهد حضور و رد این مهره زاده شده از دل جمهوری اسلامی هستیم. هرچند که دست این افراد برای جوانان انقلابی ما رو شده است، چنان‌که به عنوان مثال دانشجویان آگاه و هوشیار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در اردیبهشت ۹۸ در اعتراض به اجرای طرح "حجاب و عفاف" فریاد می‌زدند "علینژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد".

علامت سوال بزرگ این است که چرا در خیزش سراسری و توده‌ای مردم در دی ۹۶ یا مرداد ۹۷ و بزرگتر از آنها یعنی آبان ۹۸، به جز نیروهای چپ و آزادی‌خواه و البته در مواردی جزئی اقلیتی بسیار کوچک از ایرانیان خارج‌نشین و بی ارتباط با آزادی‌خواهان، کسی به حمایت از مردم داخل برنخاست؟ و یا سیاستمداران خارجی به اعتراض نسبت به نقض آشکار حقوق بشر در ایران به میدان نیامدند ولی اکنون که سعی کرده‌اند مسیر انقلاب را به دلخواه خود تغییر بدهند، به ظاهر خود را حامی آن نشان می‌دهند؟ دیدیم که نمایندگان دولت‌های غربی و همه مرتجعین و طرفداران سیستم سرمایه‌داری جهانی، در پشت شعار زن زندگی آزادی و زنانه جلوه دادن انقلاب ایران قرار گرفتند. آنها نشست‌ها و قراردادهای دیدارهای‌شان با نمایندگان فاسد این رژیم جنایتکار را پیش می‌برند و در واقع این مساله خود هرچه بیشتر ماهیت پلید آنها و قدرت‌های جهانی را برای همه روشن و آشکار می‌سازد.

اگر بخواهم کوتاه در مورد عدم حمایت دول خارجی و سیاستمداران آنها از جنبش‌های قبلی بگویم، به طور خلاصه می‌توانم به نوع مطالبات و خواست‌های مردم در آن جنبش‌ها که در واقع مشکلات اقتصادی بود، اشاره کرد. اصلی‌ترین مشکلی که اگر قرار باشد دولت‌های غربی و قدرت‌های جهانی حتی به ظاهر از آن حمایت کنند، نتیجه‌ی آن تیر زدن به پای خودشان است چراکه با محقق شدن حق و حقوق معیشتی و اقتصادی مردم، منافع خود را از غارت اموال و منابع مالی مردم ایران از دست خواهند داد. به این دلیل است که گفته می‌شود شعار نان مسکن کار آزادی و استقلال در برگیرنده‌ی عمده‌ترین خواست‌های مردم از زن و مرد و کوچک و بزرگ است ولی زنان خواندن انقلاب جاری تنها خواست نیمی از جامعه که زنان باشند را در بر می‌گیرد که تازه تنها لغو حجاب، مورد نظر است که البته در ابتدای صحبت هم اشاره کردم که برای بخش بزرگی از زنان که دغدغه اصلی‌شان مسائل اقتصادی‌ست، این موضوع برجستگی ندارد.

در مورد این شعار زن زندگی آزادی من نمی‌خواهم صحبت زیادی داشته باشم، چون می‌دانم این مبحث به موضوع بحث رفیق گرامی ما رفیق سارا مربوط می‌شود که ایشان حتماً به تفصیل در این مورد صحبت خواهند کرد. اما می‌خواهم تاکید کنم که این شعار به هیچ عنوان مطالبات اصلی زنان طبقه کارگر و فقیر جامعه را در بر نمی‌گیرد، چرا که همان‌طور که توضیح دادم در ایران تحت سلطه سیستم سرمایه‌داری، دغدغه اصلی افراد جامعه یعنی زنان و مردان، دستیابی به بدیهی‌ترین حقوق اولیه در آن جامعه یعنی همان نان و کار و مسکن و آزادی‌ست. واقعیت امر این است که زنان امروزه دوشادوش و همپای مردان و حتی در مواقعی جلوتر از آنان در صف اعتراضات به حقوق معوقه و دستمزد متناسب با تورم و حق رتبه‌بندی مشاغل همواره حضور داشته‌اند. حال به فرض اگر قوانین حجاب اجباری، چه در چارچوب جمهوری اسلامی و یا هر رژیم دیگری که همچنان مناسبات سرمایه‌داری را حفظ می‌کند، ملغی شود ولی مساله "نان و کار و مسکن و آزادی" برای

مردم جامعه تامین نگرند و مسائل سیاسی-فرهنگی-اجتماعی حل نشوند، آیا آنوقت شاهد آن نخواهیم بود که زنان دوباره در کنار مردان به همان اعتراض‌های بر حق خود ادامه خواهند داد، ولی با یک تفاوت و آن‌هم این‌که این‌بار همان زنان با "پوشش و حجاب اختیاری!" در صف اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها می‌ایستند؟ هرچند که البته دغدغه‌ی اصلی قشر محدودی از زنان تحت ستم طبقات مرفه، کسب حق پوشش ولو با حفظ نظام حاکم است. ولی اکثریت زنان جامعه، هم برای رفع ستم مضاعف از زنان و از جمله لغو حجاب و هم برای از بین بردن هر نوع ظلم و ستم از جامعه مبارزه می‌کنند و تا نابودی سیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران مبارزه خواهند کرد.

یکی از شهدای جوان و آگاه جنبش انقلابی ۱۴۰۱ یعنی سارینا اسماعیلزاده در یکی از ویدیوهایی که در زمان حیات از خود پخش کرده بود به دغدغه‌ی اصلی مردم که مشکلات اقتصادی بود اشاره می‌کند و می‌گوید: مردم یک کشور چه انتظاری میتونن داشته باشن از کشور خودشون؟ و جواب می‌دهد: رفاه، رفاه، رفاه. او در ادامه اشاره می‌کند که: وضعیت اقتصادی‌مون که داغونه، فرهنگمون داغونه و یکسری محدودیت‌ها که برای زنان بیشتره مثل حجاب اجباری؛ ولی می‌خوام بگم که مخصوصاً وضعیت اقتصادی خیلی اذیت می‌کنه. سارینا در قسمت دیگری از حرف‌های خود در مورد داشتن رفاه و آسایش می‌گوید: ما هنوز تو پله‌ی اول گیر کردیم؛ خوراک، پوشاک، مسکن. و در آخر اشاره می‌کند که وقتی این سه‌تا چیز در زندگی هر فردی فراهم باشه، ذهنش باز می‌شه و می‌تونه به مسایل دیگه‌ای که انسان رو به کمال می‌رسونه فکر کنه. خب اگر ما به این سخنان با دقت گوش کنیم می‌بینیم که این دختر نوجوان ۱۶، ۱۷ ساله با چه درک عمیقی و به چه زیبایی با وجود اشاره به محدودیت‌هایی از جمله حجاب اجباری برای زنان، مشکل و دغدغه‌ی اصلی جامعه را درک کرده که همانا در شعار نان کار مسکن آزادی و استقلال از امپریالیست‌ها یعنی سرمایه‌داران بین‌المللی غارتگر، نهفته است.

آنچه مسلم است این است که داشتن درک درست ما از عامل اصلی فقر و فلاکت و دیکتاتوری در جامعه که همان سیستم سرمایه‌داری و زندگی طبقاتی‌ست، خواهد توانست مسیر درست مبارزه را برای ما آشکار کند. در ایران هنگامی که توده‌های انقلابی به رهبری طبقه کارگر، قدرت سیاسی را به دست بگیرند به راحتی نه تنها پوشش و حجاب اختیاری بلکه سایر حقوق پایمال شده زنان از جمله استقلال اقتصادی، حق طلاق، حق سقط جنین، حق داشتن گذرنامه و مسافرت بدون اجازه‌ی پدر و همسر، حق ارث برابر، حق کفالت فرزند و سایر حقوق پایمال شده به زنان باز گردانده می‌شود.

چنین تجربه‌ای را مردم جهان پس از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه به رهبری لنین در راس طبقه کارگر آن کشور که برابر است با سال ۱۲۹۵ در ایران، شاهد بوده‌اند. در آنجا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، حقوق برابر زن و مرد در امور کار و زندگی، حق رای، حق طلاق و سقط جنین و قوانین بسیار دیگر به نفع زنان به تصویب رسید و حتی روز ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن تعطیل رسمی اعلام شد. اما همان‌طور که می‌دانیم حقوق انسانی برابر حتی در هیچ کدام از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری برای زنان وجود ندارد. به قول کلارا زتکین به عنوان یکی از بنیان‌گذاران روز جهانی زن، رهایی زنان در مشارکت آنان در امر تولید و در گرو سرنگونی نظام سرمایه‌داری می‌باشد.

انقلاب به معنای واقعی یعنی دگورگونی و تغییر همه مناسبات بنیادینی که با آن استثمار و ستم به انسان‌ها پایان پذیرد، انقلاب یعنی پایان نظام دیکتاتوری سرمایه‌داری‌ای که با فشار دادن گلوی کارگران و زحمت‌کشان، حافظ و مدافع نظامی‌ست که حقوق انسانی و اولیه انسان‌ها را فدای حفظ منافع اقلیتی سرمایه‌دار می‌کند.

واقعیت این است که توده‌های آگاه و مبارز ما در داخل کشور دریافته‌اند که انقلاب به معنای ایجاد دگورگونی

عمیق در همه موارد و مسائل جامعه است و این موضوع تنها به مساله زنان و یا حجاب، قابل تقلیل نیست. درست پس از آنکه توسط عده‌ای معلوم‌الحال تلاش شد تا این انقلاب را حول مساله آزادی پوشش برای زنان جا بزنند، توده‌های آگاه و مبارز ما در داخل کشور به درستی شعار می‌دانند: چه با حجاب چه بی حجاب، پیش به سوی انقلاب.

با توجه به مواردی که گفته شد باز تاکید می‌کنم که انقلاب در ایران زنانه نیست، بلکه انقلاب یک امر اجتماعی‌ست که با مشارکت و هم‌صدایی زنان و مردان آزادی‌خواه و برابری‌طلب به سرانجام خواهد رسید.

انقلاب در ایران تنها با تغییر و گذار از جمهوری اسلامی اتفاق نخواهد افتاد، واقعیت امر این است که با توجه به نرخ وحشتناک تورم در ایران و بی ارزش شدن هرچه بیشتر ریال یعنی پول رسمی کشور، فشار ناشی از آن بیشتر از همه متوجه اکثریت بی‌بضاعت و طبقه کارگر و زحمت‌کشی است که در قبال کاری که انجام می‌دهند، دستمزد اندکی دریافت می‌کنند و فشار حاصل از تورم را با تمام وجود و جان‌شان حس می‌کنند. برای همین است که انقلاب در ایران باید با نابودی سیستمی که مسبب تمامی این مشکلات و فشارهاست اتفاق بیفتد. انقلابی که نابود کننده همه مناسبات ارتجاعی و استثمارگرانه و مردسالارانه‌ای‌ست که بر زنان و مردان ما تحمیل شده است. این امر تنها با همکاری و همبستگی زنان و مردان به رهبری طبقه کارگر و در یک مبارزه طولانی و با توجه به روینای دیکتاتوری حاکم به صورت مسلحانه و تنها در کف خیابان‌های ایران محقق خواهد شد. تنها در این‌صورت است که زنان نیز به حقوق انسانی خود دست خواهند یافت و به زندگی توأم با ارزش معنوی انسانی خود خواهند رسید. با وکالت و کفالت افرادی که خود همگی حافظ و مدافع سیستم سرمایه‌داری و زندگی طبقاتی توده‌ها هستند و با شارلاتانیزم سعی در زنانه جلوه دادن این انقلاب و تحقیر توده‌ها دارند، مردم ما به آزادی و خواست‌های خود نخواهند رسید. این‌ها با نشستن پشت میزهای پارلمان‌های کشورهای امپریالیستی و مصاحبه و غیره تنها وعده وعیدهای تو خالی می‌دهند و خاک بر چشم مردم می‌پاشند.

سخن‌انم را با این تاکید به پایان می‌رسانم که انقلاب جاری در ایران یک انقلاب زنانه نیست اما انقلاب در ایران بدون شرکت زنان هم هیچ‌گاه به پیروزی نخواهد رسید!

سخن پایانی

من می‌خواهم در این قسمت به مسائلی که باعث انحراف در مبارزات مردم می‌شوند، اشاره کنم. به عنوان مثال منشورهایی که اخیراً منتشر می‌شوند، در بطن تمام این منشورها تنها موضوعی که جلوه‌گری می‌کند، مطالبه برای مثلاً بهتر شدن فضا و شرایط جامعه است.

اما صادرکننده‌های چنین منشورهایی این حقیقت را پنهان می‌کنند که فضا و شرایط جامعه تنها زمانی برای ستمدیدگان جامعه بهتر می‌شود که جمهوری اسلامی به دست توده‌ها سرنگون شود و سیستم سرمایه‌داری در ایران نابود گردد. همان‌طور که در صحبت‌هایم هم اشاره کردم، تنها در این شرایط است که زنان هم از ستم‌هایی که امروز می‌بینند رهایی پیدا خواهند کرد.

می‌بینیم در منشورهایی که این روزها منتشر می‌شوند، اصلاح‌طلبی با کلمات و جملات ظاهراً جذاب پوشیده شده است. در این مورد بهتر است بگویم که توده‌های مبارز ما از این مرحله خیلی وقت است که گذر کرده‌اند؛ درست همان زمان که در آبان ۹۸ فریاد می‌زدند: اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا؛ و یا این‌که در جریان مبارزات ۱۴۰۱، مردم ما شعار دادند: بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب.

یکی از پیش شرط‌های لازم برای رسیدن زنان به آزادی و اجرای برابری و آزادی همه توده‌های تحت ستم ما رهایی از سلطه سرمایه‌داران بین‌المللی یا امپریالیست‌ها است، در حالی که اصلاح طلبان خیلی زیرکانه

ضرورت استقلال توده‌ها از قدرت‌های جهانی را کتمان می‌کنند و تازه خواهان مساعدت و کمک کشورهای غربی و سیاستمداران آن کشورها هم هستند.

مسأله‌ای که من می‌خواهم بر روی آن دست بگذارم این است که زنان و مردان مبارز ما به درستی تنها چاره را انقلاب می‌دانند؛ یعنی دگورگونی کل ساختار اقتصادی-اجتماعی و ایجاد ساختار جدید به نفع اکثریت زنان و مردان جامعه. چون در تجربه هم دیده‌اند که از راه مبارزات مدنی نمی‌توانند به خواسته‌های انقلابی و برحق خودشان برسند. بنابراین در چنین شرایطی برجسته کردن مبارزات مدنی به عنوان راه اصلی، نتیجه‌ای جز جمع کردن توده‌های کف خیابان و فرستادن آنها به خانه را ندارد.

در آخر بار دیگر تاکید می‌کنم که بدون مشارکت زنان هیچ انقلابی به پیروزی نخواهد رسید. اگر خوب توجه کنیم می‌بینیم که در این جمله این مسأله نهفته است که حضور زنان، مکمل حضور مردان در امر مبارزه است. به واقع زنان و مردان در کنار هم می‌توانند انقلاب را به پیش ببرند. از طرف دیگر، زنانه خواندن انقلاب توده‌های مبارز در ایران، به منزله نادیده گرفتن و بی اهمیت جلوه دادن و به زیر سوال بردن مردان به عنوان نیمی از جامعه و در کل خدشه‌دار کردن مبارزه مردم ما با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برای سرنگونی این رژیم و ریشه‌کن کردن سیستم سرمایه‌داری در ایران می‌باشد. پس، زنان و مردان آگاه ما باید تمام راهکارها و اندرزهای فرمیستی و ارتجاعی مثل زنانه خواندن انقلاب ایران و مواردی که بدان‌ها اشاره کردم را نادیده بگیرند تا بتوانند با مبارزه اصولی به هدف نهایی رسید.

دوست عزیزی به صورت پیام از من پرسیده بودند که منظور از استقلال در شعار نان کار مسکن آزادی و استقلال چیست؟

منظور از استقلال، استقلال از سلطه امپریالیسم و سرمایه جهانی‌ست که از کانال رژیم وابسته شاه و جمهوری اسلامی چند دهه به غارت و سرکوب کارگران و خلق‌های تحت ستم ایران مشغولند. منظور این است که هیچ انقلاب رهایی‌بخشی در ایران برای آزادی و سوسیالیسم نمی‌تواند بدون در هم شکستن نه تنها جمهوری اسلامی بلکه نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم حاکم بر ایران به رهبری طبقه کارگر موفق و پیروز شود.

در پایان گرامی می‌دارم یاد زنان مبارزی که در راه آزادی و برابری جان‌شان را از دست دادند، زنان مبارزی که در رژیم دیکتاتوری پهلوی به مبارزه برخاستند و به شهادت رسیدند؛ به ویژه رفقای فدایی و تا به امروز و زنان و دخترانی که در جنبش انقلابی اخیر در راه آزادی به شهادت رسیدند از جمله نیکاه، ساریناها، آیلارها، آینازها، مینوها، حدیث‌ها و غزاله‌ها حنانه‌ها مهساها هدیه‌ها و همه آنانی که در جریان انقلاب ۱۴۰۱ به دست این رژیم زن‌ستیز، خون‌خوار و فاسد کشته شدند.

همین‌طور درود می‌فرستم و گرامی می‌دارم یاد مردانی را که در راه برابری زن و مرد مبارزه کردند و جان باختند و درود بر مردانی که در این راه با نظام حاکم و مردسالاری ذاتی آن مبارزه می‌کنند.

خورشید

۱۲ مارس ۲۰۲۳